

A Busy Day Without Saying “Busy”: 3 Better English Words

English learning resource · FA

Key words & expressions · English + Persian

3 learning entries

Study task: Listen again and notice the expressions you studied.

1

hectic

پرهیاهو · بسیار شلوغ

DEF

Full of fast, intense and sometimes confused activity.

Usually describes a day, morning, schedule, week or period—not the person experiencing it.

FA

پر از فعالیت سریع، شدید و گاهی آشفته.
معمولا روز، صبح یا برنامه را توصیف می‌کند، نه شخص را.

It was hectic.

It has been a hectic day.

خیلی پرهیاهو بود.

روز بسیار شلوغی بوده است.

2

overwhelmed

درمانده · زیر فشار زیاد

DEF

Feeling unable to cope because there is too much to do, think about or experience.

Describes a person's feeling. Common patterns are feel overwhelmed and be overwhelmed by/with something.

FA

احساس ناتوانی در کنار آمدن با کارها یا تجربه‌های بیش از حد.
احساس شخص را توصیف می‌کند و اغلب با feel/be و by/with می‌آید.

I felt overwhelmed.

I feel overwhelmed by everything I need to do.

احساس کردم از پس کارها برنمی‌آیم.

از همه کارهایی که باید انجام دهم احساس درماندگی می‌کنم.

3

manageable

قابل مدیریت · شدنی

DEF

Difficult or substantial, but still possible to deal with or control.

Often describes work, costs, pain, schedules, tasks or problems.

FA

دشوار یا قابل توجه، اما همچنان قابل انجام یا کنترل.
اغلب کار، هزینه، درد، برنامه، وظیفه یا مشکل را توصیف می‌کند.

The afternoon felt manageable.

The project looks manageable now.

بعدازظهر قابل مدیریت به نظر می‌رسید.

حالا پروژه شدنی به نظر می‌رسد.

